دریچه

تکریم محمدی‌گرگانی استاد برجسته حقوق عمومی

● **ایسنا:** تعدادی از استادان علم حقوق در مراسم نکوداشتی، از استاد محمدی‌گرگانی تکریم کردند. حمیدرضا علومی‌یزدی، معاون پژوهشی دانشگاه علامه‌طباطبایی در این مراسم نکوداشت گفت: همه ما معلم‌ها درسمان و دانشمان را تاحدی که ممکن است، به دانشجویان‌مان منتقل می‌کنیم؛ اما چیزی که باید به دانشجویان آموخت و دانشجو نیازمند آموزش آن است، درس چگونه زیستن و چگونه تکامل‌یافتن است. دکتر محمدی بیش از اینکه استاد برجسته حقوق باشند و بیش از آنکه مبانی فلسفی حقوق را در کلاس‌ها آموخته باشند، درس انسانیت را با رفتار، کلام و سیره خود به دیگران می‌آموزند. شیوه نگرش ایشان به زندگی برای دانشجویان کلاس سرمشق بود. آنچه دانشجویان را مجذوب ایشان می‌کند، بیش از اینکه مربوط به دانش ایشان باشد، مربوط به منش ایشان است. گوهر وجود ایشان از انسانیت و شخصیتی والا و تأثیرگذار است.در ادامه این مراسم، محمدجواد کاشی، از استادان دانشگاه، با بیان اینکه از سال ۶۲ افتخار شاگردی دکتر محمدی را داشته است، اظهار کرد: در این چند سال از نزدیک با ایشان حشرونشر داشتم و از ایشان بسیار آموختم. حدود ۱۰ ماه پیش که قرار شد چنین جلسه‌ای برگزار شود، هم‌زمان شد با چاپ کتاب «هستی، متن مقدس» از استاد محمدی‌گرگانی. با مطالعه این کتاب، تصور کردم باید متن اقبال را هم بخوانم؛ حقیقتا تازه متوجه شدم که با چه متن مهمی مواجه هستم.او ادامه داد: اصل سخن کتاب بر این است که لذات حالات عقل ما منظومه‌ای هستند که آدمی را نمی‌توان به هیچ کدام از آنها تقلیل داد. ایجاد تعادل درونی میان این صفات مشخص، تجربه‌ای باطنی از هستی عامی است که دکتر تئوری اقبال را در آن پرورش می‌دهد. در این جهان، سازمان و تعادلی است که انرژی آن شیفتگی و عشق است و در نهایت از چنین شناختی، دکتر محمدی حیات سیاسی را که اعم از رسالت فرد از تجربه درونی است، تعریف می‌کند و می‌گوید تا تعادل در عرصه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حادث نشود، در فضای درونی و روان‌شناختی فرد نیز حاصل نمی‌شود. به عقیده من، در واقع روابط فلسفی اقبال به حسب تجربیات امروزی ما در این کتاب بازسازی شده است که می‌توان در آن تأمل کرد.اکبری، از استادان دانشگاه علامه‌طباطبایی، در مراسم نکوداشت استاد محمدی‌گرگانی گفت: نزدیک به ۴۰ سال است از میِ آشنایی با استاد می‌نوشم، سرمستم، زانو زده‌ام و می‌آموزم. دکتر محمدی و آن‌طور که من می‌گویم محمدآقا، برای من یک آرمان است و به من آموختند بدون آرمان، یک انسان بدون روح هستم. مقصود از آرمان برای من یک افق، یک چشم‌انداز و یک حجت است. برخی دنبال حجت مسلمانی هستند؛ اما او برای من، حجتی انسانی برای انسان‌بودن است. این عناوین کلمات و شعر نیستند، تجربه زیسته من با اوست.او خاطرنشان کرد: امروز می‌خواهم با نسل فردای ایران حرف بزنم و بگویم ما آرمان داریم، آرمان عدالت، آزادی و معنویت که زندگی هستند و وجود دارند. من آنها را دیدم و با آنها زندگی کردم. ایشان برای من، نسل من و تجربه من، تجربه زیسته و برای فردای ایران و جوانان ما، آرمانی متجسم است. ما به این آرمان احتیاج داریم؛ انسان بدون آرمان جسم بدون روح است.

در پایان این مراسم، استاد محمد محمدی‌گرگانی که به همراه همسر خود در مراسم حضور داشتند، از یکایک افراد که مراسم را برگزار کردند، تشکر کردند.

نگاه

ایجاد ۳۱ شبکه هماهنگی «سمن‌ها» در مدیریت بحران

● **ایسنا:** سرپرست امور سازمان‌های مردم‌نهاد وزارت کشور از ایجاد ۳۱ شبکه هماهنگی «تشکل‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران» در ۳۱ استان کشور خبر داد و گفت: دلیل توجه تأسیس نهاد جدیدی با این عنوان، آن است که ضمن جلب مشارکت، آموزش و توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد، هدایت برای مشارکت این سازمان‌ها در مدیریت بحران بر اساس برنامه‌های عملیاتی و به صورت تخصصی و هدفمند مدنظر قرار گیرد. از سوی دیگر، این شبکه‌ها بتوانند بدون وابستگی به بخش دولتی، به صورت مستقل در بلندمدت به ایفای نقش بپردازند. رضا ملک‌زاده ادامه داد: درحال‌حاضر حدود ۱۰هزار سازمان مردم‌نهاد زیر نظر وزارت کشور وجود دارد که با ورود اطلاعات تمام سازمان‌های مردم‌نهاد در سامانه جامع بانک اطلاعاتی تا ماه آینده، تعداد دقیق آنها مشخص می‌شود.

خانه شهردار بدون شهردار

معصومه اصغری: شهردار سابق تهران که برای برگرداندن زندگی به قلب تهران، تصمیم گرفت خودش در یکی از خانه‌های آن زندگی کند. مانند بسیاری از تصمیماتش، زودتر از خودش پولش را جلو فرستاد؛ خانه را خریدند و ساختند اما شهردار اثاث‌کشی نکرد و به آنچه برای شهروندان توصیه می‌کرد، عمل نکرد و این‌گونه بود که خانه‌ای چندده‌میلیاردی به نام خانه شهردار روی دست شهرداری ماند و حالا معاون محمدعلی نجفی می‌گوید این خانه را ساختمانی اداری می‌کنیم.

شهردار مشهدی تهرانی‌ها در ۱۲ سال گذشته کمی بعد از سکونت در شهرکی نظامی در منطقه ۴، از فرماندهی انتظامی به شهرداری تهران رفت. از همان ابتدا بنای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام تهران را گذاشت و این‌گونه بود که تونل رسالت و برج میلادی که سال‌ها باری بر روزمره تهرانی‌ها شده بودند را تمام کرد. محمدباقر قالیباف بارها در همان سال‌های ابتدایی مسئولیت خود از اینکه به تهران آمده و تهرانی‌ها را نجات داده است، حرف می‌زد و حتی با این جمله‌اش معروف است که: «هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم یک روز من از مشهد بیایم و اینها (تونل رسالت و برج میلاد) را تکمیل کنم».

قالیباف که از همان ابتدا دغدغه برابری امکانات و تأسیسات شهری برای شرق و غرب و شمال و جنوب را داشت، بارها درباره کمبودهای شرق تهران صحبت می‌کرد و به‌همین‌دلیل است که بخش زیادی از توسعه بزرگراهی را به شرق تهران اختصاص داد و یکی از خطوط متروی تهران هم سهم تهرانی‌های شرق تهران شد. البته ساکن‌بودن شهردار تهران برای سال‌ها در شرق را نباید تنها دلیل این اقدامات دانست، زمین‌های دست‌نخورده و بلاتکلیف بسیاری که در شرق تهران بوده و هست نیز یکی از این دلایل بوده که دست شهردار تهران را پس از درک نیازها به‌عنوان ساکن یک منطقه، باز گذاشته است.

او حالا ساکن محله خواجه‌عبدالله انصاری است. پیش‌تر زمانی که آخرین ایستگاه‌های مترو را در دوره مسئولیتش افتتاح می‌کرد، در جریان افتتاح ایستگاه خواجه‌عبدالله انصاری در خط ۳ مترو، گفت: امروز به‌عنوان شهروندی که مترو به نزدیکی محل زندگی‌اش آمده، از پرسنل مترو تشکر می‌کنم؛ چراکه سرانجام مترو به در خانه ما نیز رسید.

اما آیا اینکه مسئولی از شهردار و عضو شورای شهر تا یک رئیس‌جمهور، ساکن یک محله باشد در وضعیت آن محله یا منطقه شهری تفاوتی ایجاد می‌شود؟ این همان موضوعی بود که محمدباقر قالیباف به آن فکر کرده و برایش هم تصمیماتی گرفته بود.

او از همان سال‌های اول حضورش در بهشت به‌دنبال کم‌کردن فاصله شمال و جنوب تهران بود و انصافا در بسیاری از مؤلفه‌های زیرساختی و امکانات و المان‌های شهری با صرف پول‌های خود مردم در این موضوع تا حدی موفق بود اما یکی از برنامه‌ریزی‌هایی که شهردار سابق تهران در همین راستا در ۱۲ سال مسئولیتش بارها مطرح کرد و برای آن پول و برنامه صرف کرد و موفق نبود، زنده‌کردن منطقه ۱۲ تهران یا همان محدوده تهران قدیم بود. نوسازی بافت‌های فرسوده را از محلات منطقه ۱۱ و ۱۲ و ۹ شروع کرد، ساخت سوله‌های بحران و الزهرا و زمین‌های چمن را از این مناطق شروع کرد، اصلاح‌های ترافیکی و اجتماعی و فرهنگی را در این مناطق به‌شکلی ویژه اجرا می‌کرد؛ درحالی‌که بیشترین چالش‌های اجتماعی هم که در دوران خود تجربه کرد، مربوط به همین مناطق، به‌ویژه منطقه ۱۲ بود. او بارها در سخنان خود بر اینکه دوباره باید زندگی و زیست شهری را به منطقه ۱۲، یعنی بافت تاریخی تهران برگرداند، صحبت می‌کرد اما اقدامات عملی او برای تحقق این هدف چقدر جدی، اجرائی و موفق بود؟

قالیباف می‌خواست برای محله‌ای که شاید نیمی از بافت مسکونی آن تبدیل به انبار، خرابه و اتاقک‌هایی برای زندگی شبانه کارگران شهرستانی و افاغنه و گوشه‌های دنج برای معتادان و کارتن‌خواب‌ها شده، چه کند که نتوانست؟ شهردار سابق تهران می‌خواست برای بازاری که هنوز نمی‌تواند برای کابل‌های رهاشده برق و تلفن و سیم‌های متعدد بدون صاحب اما خطرناک، تعیین‌تکلیف کند، چه طرح ضربتی‌ای را اجرائی کند؟ او بارها از زندگی روزانه و مرگ شبانه منطقه ۱۲ صحبت کرد. از اصلاح حد فاصل مجلس شورای اسلامی تا منطقه مولوی تهران سخن گفت و افزود: با اجرای طرح جامع بهارستان یقینا منطقه مولوی نیز تحت‌تأثیر این منطقه قرار خواهد گرفت. بسیاری از بازاریان قدیم تهران که این محدوده را ترک و در مناطق یک و ۳ ساکن می‌شوند، با طرح جامع یقینا به همین منطقه برگشته و محل کار و زندگی‌شان را در منطقه ۱۲ انتخاب خواهند کرد. او سال ۹۰ در نشستی با مجلس شورای اسلامی که درباره طرح‌های ساماندهی اطراف مجلس برنامه می‌ریختند، گفت: «بسیاری از بازاریان قدیم تهران که این محدوده را ترک کرده و در مناطق یک و ۳ سکونت می‌کنند، با طرح جامع بهارستان یقینا به همین منطقه برگشته و محل کار و زندگی‌شان را در منطقه ۱۲ انتخاب خواهند کرد». طرحی که قالیباف از آن صحبت می‌کند، احتمالا همان طرحی است که بعد از شش سال جمع زیادی از شهروندان تهرانی در محدوده مرکزی تهران درگیر آن هستند؛ یک خیابان مهم و پردسترسی به نام خیابان «مردم» هم کلا به روی مردم بسته شده است.

تا اینجا شهردار سابق تهران برای منطقه ۱۲ خیری را که خودش دنبالش بوده، نداشته است. او در ادامه برنامه‌ریزی‌های پرخرج شهری که برای منطقه ۱۲ اجرائی کرد تا منطقه ۱۲ زنده شود، روی خانه‌های تاریخی و قدیمی این منطقه که بافتی ارزشمند دارند، دست گذاشت. تعداد زیادی از خانه‌های معروف و مربوط به شخصیت‌های سیاسی، هنری، فرهنگی و خانه - کاخ‌ها مرمت و با تغییر کاربری دوباره فعال شدند و بسیاری دیگر با توجه بخشی از سرمایه‌گذاران تبدیل به رستوران و سرای سنتی شدند و در این میان شهرداری منطقه ۱۲ دست روی تعدادی از خانه‌های تاریخی گذاشت که یکی از آنها در ادامه به نام خانه شهردار تهران شناخته شد.

محمدباقر قالیباف در یکی از بازدیدهای یکباره خود از منطقه ۱۲ اعلام کرد که شهرداری تهران صد خانه تاریخی در محدوده محله عودلاجان و بافت تاریخی تهران شناسایی و خریداری کرده تا معاونان و مدیران ارشد شهرداری تهران در آنها ساکن شوند، خودش هم به‌عنوان اولین نفر از مجموعه شهرداری تهران در بافت تاریخی عودلاجان ساکن می‌شود. این خبر از آن خبرهای یکباره و تأثیرگذاری بود که تا مدت‌ها موجی مثبت برای شهردار تهران داشت؛ شهرداری که در همه این ۱۲ ساله همواره در آستانه ورود به رقابت‌های انتخاباتی بود. اما سرنوشت این خانه و ساکنان آن و شهروندانی که امیدوار به تغییر در منطقه خود بودند، چه شد؟

خانه انتخاب‌شده به نام خانه «مهربان» مربوط‌به دوره پهلوی اول است که در سال ۸۴ در فهرست میراث ملی ثبت شده است. شهرداری منطقه ۱۲ این خانه و دو خانه اطراف را یکباره مرمت کرد و چندباره تغییر وضعیت و دکوراسیون داد و شهردار تهران گاهی برای برخی جلسات و بازدیدهای خود در منطقه ۱۲ به این خانه هم سر زده است اما ساکن و مستقرشدنی در کار نبوده است؛ به‌عبارتی شهردار تهرانی که برای ساکنان منطقه ۱۲ از کارگر و کسبه تا ساکنان و بازاریان منطقه‌یک‌نشین نسخه برگشت و ساکن‌شدن می‌پیچد، خودش در این محلات مستقر نمی‌شود تا این منطقه برای آن تحول بزرگ آماده شود.

این خانه چندده‌میلیاردی و ارزشمند که در این سال‌ها تقریبا استفاده‌ای از آن نشده است، حالا با رویکردهای جدید معاونت شهرسازی شهرداری تهران تبدیل به دفتر مدیریت بافت تاریخی شده است و معاون محمدعلی نجفی گفته است: «خانه‌ای در کوچه امامزاده یحیی در منطقه ۱۲ وجود داشت که قرار بود شهردار سابق در آنجا ساکن شود که این اتفاق نیفتاد، حال این خانه تاریخی به معاونت واگذار و به اداره تبدیل شده است تا از حالت تاریخی و فرهنگی خارج نشود».

هرچند که این اقدامات شهرداری تهران با هر رویکرد و هر مدیریتی نوعی جیب‌به‌جیب برای شهرداری تهران محسوب می‌شود، اما مسئله این است که از این همه برنامه‌ریزی و پول خرج‌شده و راه باز برای ساخت‌وساز، همچنان مردم منطقه ۱۲ منفعتی نبرده و سرشان بی‌کلاه است و منفعت این اتفاقات را سرمایه‌گذارانی برده‌اند که به‌موقع توانستند آن صد خانه دیگری را که تبدیل به رستوران و سفره‌خانه شدند، تبدیل به احسن کنند. کالبد منطقه ۱۲ که امروز درباره آن صحبت می‌کنیم از کالبد منطقه ۱۲ که ۱۰ سال قبل درباره آن صحبت می‌شد و می‌شناختیم فرسوده‌تر، آسیب‌دیده‌تر و پرمعتادتر شده است.

نظر کرباسچی درباره ۱۰۰ روز اول شهرداری نجفی

شرق: غلامحسین کرباسچی، شهردار اسبق تهران، در گفت‌وگویی درباره عملکرد صدروزه شهردار جدید تهران، مانند لزوم به‌کارگرفتن نیروهای جوان، کاستن از حجم کارمندان شهرداری تهران، تلاش برای تأمین درآمدهای پایدار و افزایش عوارض شهری سخن گفت. کرباسچی درباره موضوع ممنوعیت صدور هولوگرام برای فروش تراکم و اینکه این موضوع چقدر می‌تواند در وضعیت تهران تأثیرگذار باشد به «شهرنوشت» گفت: «آنچه این اواخر به‌عنوان هولوگرام انجام می‌شد، معجونی از عدم شفافیت بود و درعین‌حال شهرداری، دلال‌ها و کسانی که از بیرون مداخله می‌کردند، پیچیدگی‌ای را به‌وجود می‌آورد که احتمال فساد و کارهای مالی غیرشفاف را بالا می‌برد. این ممنوعیت صدور اقدام مؤثری است؛ چراکه از نشتِ درآمد شهرداری به بیرون جلوگیری می‌کند و موجب شفافیت مالی در شهرداری می‌شود». او همچنین درباره تلاش برای تأمین درآمد پایدار برای شهرداری نیز گفت: «درآمد پایدار شهرداری باید مبتنی بر این فلسفه باشد که هرکس از شهر و امکانات شهری بیشتر استفاده می‌کند، باید بار بیشتری از هزینه‌های شهر را بر دوش داشته باشد؛ چراکه قرار نیست سوبسیدی از دولت، درآمد نفت و منابع ملی به سازمان شهرداری داده شود. اگر بخواهیم مدیریت شهری را به یک مجموعه آپارتمانی تشبیه کنیم، شورای شهر نقش هیئت‌مدیره را ایفا می‌کند و شهرداری، مدیر مجموعه ساختمانی‌ای است که ۷۰۰ کیلومتر طول و عرض دارد. طبیعی است که هر کس تعداد واحد و ماشین بیشتری داشته باشد و جای پارک بیشتری بخواهد، باید هزینه بیشتری بپردازد. این خود یکی از درآمدهای پایدار شهرداری و امکان جدید برای تعدیل هزینه‌های آن است». به گفته کرباسچی «در بسیاری از شهرهای مدرن دنیا، حمل‌ونقل یکی از بزرگ‌ترین منابع درآمد شهرداری است. البته منظور صرفا فروش بلیت اتوبوس یا مترو نیست؛ بلکه عوارض استفاده از اتوبان، پارکینگ‌ها و... از منابع مهم کسب درآمد محسوب می‌شوند. شهرداری باید روی این موضوع برنامه‌ریزی کند که اگر کسی می‌خواهد به‌صورت نامحدود از اتومبیل شخصی‌اش استفاده کند، باید تحمل هزینه رفت‌وآمد آن را هم داشته باشد. این موضوع چیزی نیست که صرفا درباره حمل‌ونقل صدق کند بلکه هرکس از امکاناتی که شهر در اختیارش گذاشته استفاده می‌کند، باید هزینه‌های آن را هم پرداخت کند؛ راه دیگری هم وجود ندارد. محل تأمین درآمد شهرداری گرفتن عوارض از مردم است». شهردار اسبق تهران همچنین در ادامه می‌گوید: «من امیدوارم دولت رابطه‌اش را با شهرداری بر اساس روابط تنظیم نکند؛ بلکه ضوابط را معیار خود قرار دهد. آقای نجفی، آدم خیلی خوبی است و حتما رابطه خوبی هم با اعضای هیئت‌دولت و رئیس‌جمهوری دارد اما این رابطه خوب نباید تنها دلیل پرداخت بدهی باشد».کرباسچی درباره کاهش نیروهای شهرداری نیز گفت: «وقتی وارد شهرداری شدم، حدود ۳۵ تا ۴۰ هزار پرسنل در شهرداری بودند و وقتی شهرداری را ترک می‌کردم، این تعداد به ۱۰ تا ۱۲ هزار نیرو رسیده بود. نیروهایی را که از نظر ما کاری بودند و وظیفه و مسئولیتی برعهده‌شان بود، با برون‌سپاری و خصوصی‌سازی از شهرداری منفک کردیم اما متأسفانه در طول این سال‌ها با سیاست‌هایی که مدیریت‌های گذشته داشتند، نه‌تنها دوباره همه آنها به دامان شهرداری برگشتند بلکه ۵۰ تا ۶۰ درصد هم به این تعداد اضافه شده است. این کار باید دو مرتبه انجام بگیرد. یعنی باید سازمان‌ها و شرکت‌های شهرداری بر اساس وظیفه و کاری که انجام می‌دهند، حقوق دریافت کنند و کسی از آن سازمان‌ها خود را حقوق‌بگیر شهرداری نداند. اگر کاری را انجام دادند و توانستند وظیفه‌ای را که برعهده‌شان گذاشته شده به سرانجام برسانند، باید مزدشان را دریافت کنند و آن شرکت بر اساس قراردادی که با شهرداری دارد، بودجه‌ای بگیرد و حقوق پرسنل را بدهد. اگر هم یک روز احیانا سازمانی یا شرکتی کارش را به‌درستی انجام نداد و شهرداری به این نتیجه رسید که کار را به یک بخش خصوصی دیگر محول کند، باید همکاری‌اش را با آن سازمان یا شرکت قطع کند». او افزود: «شهرداری وزارت کار نیست که محل تولید شغل و جمع‌آوری آدم‌های بی‌کار باشد. این پولی است که مردم از نان شب و حقوق اندکشان به شهرداری پرداخت می‌کنند و هیچ‌وقت راضی نیستند به آدم‌هایی پرداخت شود که کارآیی لازم را ندارند و وجودشان در مجموعه شهرداری مفید نیست. باید تلاش کنیم شهر ارزان اداره شود. آقای نجفی و همه مدیرانشان باید شهرداری را تبدیل به محلی کنند که حقوق را به کار می‌دهد؛ نه به بی‌کاران. بزرگ‌ترین درآمد شهرداری می‌تواند از همین صرفه‌جویی‌ها حاصل شود». شهردار اسبق تهران همچنین به‌عنوان توصیه به نجفی چنین اظهارنظری دارد: «شهرداری یک کار اجرائی بسیار طاقت‌فرساست. آقای نجفی باید از نیروهای توانمند و آشنا به مدیریت شهری و درعین‌حال جوان استفاده کند تا مثل همه شهرهای بزرگ و کوچک دنیا هر روز روش‌ها و ابتکارات جدیدی برای حل مشکلات در نظر گرفته شود. شهرداری جای مدیران بازنشسته و خسته نیست. افرادی مثل ما که ۶۰، ۶۵ سال از عمرشان گذشته، دیگر خیلی توانمندی لازم برای کارهای سنگین اجرائی را ندارند. اگر کسی می‌توانست کاری کند تا حول‌وحوش همین سن‌وسال کرده بود. باید صحنه را به جوانان واگذار کنیم، باور داشته باشیم نسل جوان سواد فراوانی دارد و انرژی و معلوماتش از نسل ما بیشتر است. بگذاریم جوانان شهر را اداره کنند».

خبر

۶۶هزارو۳۵۹ نفر؛ آخرین آمار تخمینی ایدز در کشور

● **ایلنا:** رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت با اشاره به اینکه ۶۰ درصد مبتلایان به ایدز در ایران شناسایی نشده‌اند، گفت: تخمین زده می‌شود ۶۶هزارو ۳۵۹ نفر در ایران مبتلا به ایدز هستند. پروین افسر کازرونی، رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت، درباره افزایش انتقال ایدز از طریق ارتباط جنسی گفت: این مسئله که انتقال ایدز از طریق ارتباط جنسی رو به افزایش است به مداخلات جامعی برمی‌گردد که در ارتباط با بحث پیشگیری از انتقال اعتیاد تزریقی از سال ۸۴ و ۸۵ شروع شد و به‌صورت جامع در قالب مراکز کاهش آسیب، درمان متادون نگه‌دارنده و توزیع سرنگ در جمعیت معتادان تزریقی به آن پرداخته و باعث شد گسترش انتقال در این گروه کنترل شود. وی با بیان اینکه درحال‌حاضر ۶۰ درصد افرادی که مبتلا هستند از وضعیت خود خبر ندارند، گفت: یعنی فردی بوده که سال‌ها قبل اعتیاد تزریقی داشته و بعد بهبود پیدا کرده و دیگر اعتیاد ندارد، ازدواج کرده و بچه‌دار شده اما نسبت به تست اچ‌آی‌وی آگاه نبوده و آن را انجام نداده است. آن ۶۰ درصدی که مبتلا هستند و از وضعیت خودشان آگاه نیستند، در بیشتر مواقع آلودگی را به همسر یا شریک جنسی‌شان منتقل می‌کنند. رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت درباره رویکرد جدید به آموزش و شناسایی اچ‌آی‌وی، تصریح کرد: رویکرد نوین آموزش اچ‌آی‌وی از سال گذشته آغاز شده که پیام کلیدی آن این است که اچ‌آی‌وی یک عفونت مزمن است و در صورت تشخیص زودهنگام، مراقبت و درمان، فرد می‌تواند عمر طبیعی داشته باشد و تعداد ویروس در بدنش به‌حدی کاهش پیدا کند که قابلیت انتقال نداشته باشد. وقتی این پیام گسترش پیدا کند افرادی هم که حدس می‌زنند ممکن است در معرض ابتلا قرار گرفته باشند؛ آگاه می‌شوند که اگر سریع مراجعه کنند و تحت درمان قرار بگیرند، می‌توانند زندگی معمولی داشته باشند. کازرونی تأکید کرد: موارد شناسایی‌شده ۳۶هزارو ۳۹ نفر است که از این تعداد بالای ۹ هزار نفر فوت کردند و درحال‌حاضر ۲۶هزارو ۴۶۴ مورد زنده داریم و تخمین زده می‌شود؛ ۶۶هزار و ۳۵۹ مورد مبتلا به ایدز در ایران وجود دارد که این آمار نشان می‌دهد ۶۰ درصد مبتلایان همچنان خودشان خبر ندارند که مبتلا هستند.